



COPYRIGHTS

©2025 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.



HOW TO CITE THIS ARTICLE

Pooshab A. The function of religious rituals in the reproduction of collective spaces: studying the role of Ashura rituals in the formation of urban vitality in Javadiyeh neighborhood, Tehran. *Urban Economics and Planning* 7(5):28-43.

DOI: [10.22034/uep.2025.554367.1748](https://doi.org/10.22034/uep.2025.554367.1748)

کارکرد آیین‌های مذهبی در بازتولید فضاهای جمعی: مطالعه نقش مراسم عاشورا در شکل‌گیری سرزندگی شهری محله جوادیه تهران

آرش پوشاسب*

۱. کارشناسی ارشد، گروه برنامه‌ریزی و مدیریت شهری، دانشکده شهرسازی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

چکیده

در دهه‌های اخیر، توجه به نقش آیین‌های جمعی در پویایی فضاهای شهری و بازتولید انسجام اجتماعی، به‌ویژه در شهرهای خاورمیانه، افزایش یافته است. این پژوهش به بررسی چگونگی تأثیر آیین‌های مذهبی بر بازآفرینی فضا، تقویت سرمایه اجتماعی و شکل‌گیری هویت فرهنگی در بافت شهری جوادیه (تهران) می‌پردازد. مطالعه حاضر با رویکرد کیفی و در قالب راهبرد مطالعه موردی انجام شد. داده‌ها از طریق ۱۹ مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته با ساکنان و برگزارکنندگان آیین‌های مذهبی و نیز مشاهدات میدانی گردآوری شد. تحلیل داده‌ها با استفاده از روش تحلیل تماتیک و با بهره‌گیری از نرم‌افزار MAXQDA 2022 صورت گرفت. نتایج نشان داد آیین‌ها موجب دگرگونی موقت فضاهای روزمره و افزایش سرزندگی فضایی می‌شوند، روابط اجتماعی را بازسازی کرده و حس اعتماد و همبستگی را میان ساکنان تقویت می‌کنند. همچنین، آیین‌ها به مثابه سازوکار حافظه جمعی عمل کرده و هویت فرهنگی محله را تثبیت می‌کنند. در عین حال، ضعف حمایت نهادی و نبود چارچوب‌های رسمی مشارکتی از چالش‌های اصلی در پایداری این فرایندهاست. یافته‌ها بر اهمیت رویکردهای اجتماع‌محور در سیاست‌گذاری شهری و ضرورت به رسمیت شناختن آیین‌ها به عنوان سرمایه فرهنگی و ابزار بازآفرینی شهری تأکید می‌کنند. این مطالعه با ارائه بینشی میان‌رشته‌ای از پیوند فضا، آیین و اجتماع، درک جدیدی از پویایی‌های فرهنگی در شهرهای معاصر ارائه می‌دهد.

* نویسنده مسئول: arashpooshab@gmail.com

کلمات کلیدی

آیین شهری
سرمایه اجتماعی
حافظه جمعی
هویت فرهنگی
فضای عمومی
بازآفرینی شهری

۱. مقدمه

در دهه‌های اخیر، سرزندگی شهری و کیفیت حیات جمعی به یکی از محورهای اصلی در مطالعات شهری بدل شده است؛ به‌ویژه در شرایطی که شهرها با دگرگونی‌های سریع فضایی-اجتماعی و تنوع فزاینده فرهنگی مواجه‌اند. پژوهشگران و سیاست‌گذاران شهری به طور فزاینده‌ای بر این باورند که پایداری و زیست‌پذیری شهرها تنها به کارآمدی زیرساخت‌های کالبدی وابسته نیست، بلکه در گرو پویایی‌های اجتماعی و فرهنگی‌ای است که فضاهای عمومی را زنده نگه می‌دارند (Montgomery, 2020; Gehl, 2011; Carmona, 2021). فضاهای عمومی در این میان، نه فقط بسترهای کالبدی، بلکه عرصه‌هایی نمادین و اجتماعی‌اند که در آن‌ها تعامل، حافظه جمعی و هویت فرهنگی شکل می‌گیرد و بازتولید می‌شود (Amin, 2020; Mehta & Palazzo, 2021). با وجود این، هرچند گفتمان‌های جهانی برنامه‌ریزی شهری بر سرزندگی ناشی از طراحی فضا، پیاده‌مداری و رویدادهای فرهنگی تأکید کرده‌اند، نقش آیین‌ها و مناسک فرهنگی به عنوان محرک‌های خودجوش حیات شهری، به‌ویژه در بافت‌های غیرغربی، کمتر مورد توجه قرار گرفته است (Kong, 2020; Edensor, 2019; Amer, 2022).

در جوامعی که بر بنیان‌های مذهبی یا سنتی استوارند، آیین‌ها بخش جدایی‌ناپذیری از حیات شهری به شمار می‌آیند. این آیین‌ها نه تنها زمان‌بندی و ریتم زندگی شهری را سامان می‌دهند، بلکه فضاهای معمولی مانند خیابان‌ها و میدان‌ها را به مکان‌هایی برای تجربه جمعی و مشارکت بدل می‌سازند (Eliade, 1959; Kong, 2025). از این منظر، آیین‌ها نوعی کنش فضایی از پایین به بالا هستند که با تصرف خلاقانه فضا، منطبق تکنوکراتیک و برنامه‌ریزی از بالا را به چالش می‌کشند (Harvey, 1991; Lefebvre, 2012). بر پایه نظریه تولید فضای لوفور، مناسک را می‌توان به منزله کنش‌های پرفورماتیو دانست که فضای انتزاعی را به فضای زیسته تبدیل می‌کنند و معنا، حافظه و اجتماع را در کالبد شهر رسوب می‌دهند (Lefebvre, 1991; Soja, 1996). مطالعات اخیر نیز نشان داده‌اند چنین کنش‌های آیینی، از رهگذر مشارکت بدن‌مند، به بازتولید هویت محلی، عدالت فضایی و انسجام اجتماعی یاری می‌رسانند (Kureel & Sen, 2023; Li et al., 2025; Swartjes & Berkers, 2025).

با وجود این پیشرفت‌ها، ادبیات سرزندگی شهری همچنان تحت تأثیر پارادایم‌های سکولار و غرب‌محور باقی مانده است؛ پارادایم‌هایی که سرزندگی را عمدتاً از منظر اقتصادی، زیبایی‌شناختی یا عملکردی تعریف می‌کنند (Jacobs, 1961; Montgomery, 2020). در مقابل، ابعاد ارتباطی و نمادین سرزندگی (یعنی جنبه‌هایی که از تجربه جمعی، حافظه تاریخی و بعد معنوی فضا نشئت می‌گیرند) کمتر مورد مطالعه قرار گرفته‌اند (Massey, 2005; Kong, 2020). این شکاف نظری به‌ویژه در بسترهای خاورمیانه‌ای و اسلامی آشکار است؛ جایی که آیین‌های مذهبی مانند عاشورا نقشی ماندگار در بازتولید حیات فرهنگی و اجتماعی محلات دارند. در شهرهای ایرانی، کنش‌های آیینی ماه محرم و به‌ویژه آیین ظهر عاشورا، خیابان‌ها و گذرهای شهری را به صحنه‌های حافظه جمعی، همبستگی و مشارکت بدل می‌سازند. با این حال، مطالعات اندکی به طور نظام‌مند بررسی کرده‌اند که این آیین‌ها چگونه از طریق کنش‌های بدن‌مند و نمادین خود، به بازتولید فضاهای جمعی و ایجاد سرزندگی شهری منجر می‌شوند (یا چگونه گونه‌ای بدیل از سرزندگی را به نمایش می‌گذارند) که با الگوهای مصرف‌محور غربی تفاوت دارد.

این کم‌توجهی تا حدی ناشی از سوگیری معرفت‌شناختی در نظریه‌های شهری است. بیشتر مطالعات شهری، فرهنگ و مذهب را متغیرهای پس‌زمینه‌ای در نظر گرفته‌اند نه نیروهای مولد در فرایند تولید فضا (Eade & Mele, 2018; Amer, 2022). در نتیجه، درک اندکی از این مسئله وجود دارد که آیین‌ها چگونه از طریق تکرار، تجسم و نمادپردازی می‌توانند فضاهای جمعی و سرمایه اجتماعی را تولید و بازتولید کنند. از سوی دیگر، مفهوم سرزندگی شهری غالباً از راه شاخص‌های کمی مانند جریان عابر، تنوع کاربری زمین یا فعالیت‌های اقتصادی سنجیده می‌شود (Mehta, 2019; Li et al., 2025). در حالی که ابعاد کیفی‌تر سرزندگی (نظیر تعلق مکانی، حافظه جمعی و تجربه زیسته) همچنان در حاشیه قرار دارند. پرداختن به این خلأ نظری، به‌ویژه برای شهرهای جنوب جهانی که در آن‌ها کنش‌های فرهنگی و مذهبی غیررسمی نقش مهمی در انسجام و تاب‌آوری اجتماعی دارند، ضرورتی دوچندان یافته است (Kureel & Sen, 2023; Hamdani et al., 2025).

در ایران، پیوند تاریخی میان کالبد شهری و حیات آیینی از دیرباز یکی از بنیان‌های هویت شهری به شمار می‌رفته است. ساختار سنتی شهر ایرانی (شامل میدان‌ها، بازارها و مساجد) بستری برای تجمعات مذهبی، مناسک جمعی و آیین‌های محلی فراهم می‌کرد (Moayedi et al., 2015; Molaei & Aysham, 2023). برنامه‌ریزی مدرن شهری، که بر اولویت دادن به شبکه‌های سواره و کارکردگرایی کالبدی استوار بود، این فضاهای مشارکتی را تضعیف کرده و حس تعلق و تعامل اجتماعی را در مقیاس محله کاهش داده است (Molaei & Aysham, 2023; Khasto, 2023). در چنین بستری، آیین‌های مذهبی-فرهنگی (مانند مراسم عاشورا) از طریق تصرف موقت فضاهای عمومی، نوعی باززنده‌سازی خودجوش حیات شهری را رقم می‌زنند، هرچند این ظرفیت کمتر در برنامه‌ریزی رسمی به رسمیت شناخته شده است. واکاوی این پدیده می‌تواند افق‌های جدیدی برای بازتعریف مفاهیمی همچون سرزندگی، تعلق و اجتماع در بستر فرهنگی-بومی ایران بگشاید.

بر این اساس، پژوهش حاضر به مطالعه نقش آیین ظهر عاشورا در محله جوادیه تهران می‌پردازد تا نشان دهد این آیین چگونه به منزله یک سازوکار اجتماعی-فضایی، به بازتولید حیات جمعی و احیای فضاهای عمومی شهری کمک می‌کند. محله جوادیه، به عنوان یکی از بافت‌های تاریخی و اجتماعی پایدار پایتخت، نمونه‌ای غنی برای تحلیل تعامل میان حافظه، فضا و هویت جمعی به شمار می‌رود. در این محله، آیین عاشورا هر ساله خیابان‌ها و گذرهای معمولی را به صحنه‌هایی پرتحرک و معنادار بدل می‌کند؛ کنشی که سرزندگی شهری را نه از رهگذر طراحی رسمی، بلکه از طریق مشارکت خودانگیخته و کنش‌های بدنی مردمی محقق می‌سازد. این پژوهش با رویکرد کیفی و تفسیری، در پی پاسخ به سه پرسش اساسی است:

- ۱- آیین ظهر عاشورا چگونه فضاهای شهری را فعال و متحول می‌سازد؟
 - ۲- این آیین چه تأثیری بر الگوهای تعامل اجتماعی و بازتولید هویت جمعی دارد؟
 - ۳- چه سازوکارهایی از طریق کنش‌های بدن‌مند و جمعی مذهبی به احیای فضاهای عمومی در بافت فرهنگی ایران منجر می‌شوند؟
- چارچوب نظری تحقیق با اتکا بر مفاهیم تولید فضا (Lefebvre, 1991)، حافظه جمعی (Connerton, 1989; Halbwachs, 1992) و سرمایه اجتماعی (Putnam, 2000) تلاش می‌کند درکی فرهنگی و

بومی از سرزندگی شهری ارائه دهد که از محدودیت‌های رویکردهای کمی و غرب‌محور فراتر رود.

۲. چارچوب نظری

چارچوب نظری این پژوهش بر سه پایه اصلی استوار است که امکان تحلیل پیچیدگی‌های آیین ظهر عاشورا را در ابعاد چندگانه فضایی، اجتماعی و فرهنگی آن را به صورت دیالکتیکی و در پیوند با یکدیگر توضیح دهد. از این‌رو، چارچوب نظری این مقاله با تلفیق آرای هنری لوفور (تولید فضا)، ادوارد سوچا، (فضای سوم) و موريس هالبواکس (حافظه جمعی)، و بهره‌گیری از مفاهیم سرمایه اجتماعی (Putnam, 2000) و حافظه تجسم‌یافته (Connerton, 1989)، ابزاری تحلیلی یکپارچه ارائه می‌دهد. هسته مرکزی این چارچوب، مفهوم «آیین به مثابه یک کنش فضا ساز» است؛ کنشی که به طور هم‌زمان به تولید فضا، تقویت اجتماع و بازتولید حافظه می‌پردازد.

۱.۲. آیین به مثابه کنش تولید فضایی: از فضای انتزاعی به فضای زیسته

مطابق با نظریه هنری لوفور (۱۹۹۱)، فضا یک موجودیت خنثی نیست، بلکه محصولی اجتماعی است که در فرایندی دیالکتیکی و از طریق کنش‌های اجتماعی ساخته و بازسازی می‌شود. آیین عاشورا، به عنوان یک کنش فضا ساز، سه‌گانه لوفور را فعال می‌سازد: این کنش، «بازنمایی فضا» (فضای برنامه‌ریزی‌شده، انتزاعی و کارکردی مانند خیابان به عنوان معبر ترافیکی) را به چالش می‌گیرد.

آن را به یک «فضای بازنمایی‌شده» (فضایی سرشار از معانی نمادین، عاطفی و جمعی که خیابان را به صحنه‌ای برای عزاداری و ابراز همبستگی تبدیل می‌کند) بدل می‌سازد.

و در نهایت، یک «فضای زیسته» خلق می‌کند؛ فضایی که از طریق تجربه مستقیم، بدن‌مند و عاطفی مشارکت‌کنندگان شکل می‌گیرد و نظم روزمره را به طور موقت معلق می‌کند.

فضای تولیدشده توسط آیین، نمونه‌ای ایده‌آل از یک فضای سوم از دید ادوارد سوچا (۱۹۹۶) است: فضایی که هم واقعی است هم ذهنی، هم فردی است هم جمعی، و هم حال را دربرمی‌گیرد هم گذشته را فرامی‌خواند. این فضا، دوگانه‌های ساده‌انگارانه (خصوصی/عمومی، مقدس/عرفی) را درنوردیده و امکان مقاومت در برابر یکسان‌سازی و کالایی شدن فضای شهری را فراهم می‌آورد.

۲.۲. سازوکار معنا سازی: حافظه جمعی و تجسم‌یافتگی

اما این تولید فضای معنا دار چگونه ممکن می‌شود؟ پاسخ در گرو نظریه موريس هالبواکس (۱۹۹۲) در باب «حافظه جمعی» است. آیین‌ها، به‌ویژه آیین‌های شبیه‌سازی و سوگواری، اصلی‌ترین ابزارها برای انتقال و فعال‌سازی حافظه جمعی هستند. این فرایند نه از طریق متن، بلکه از طریق «حافظه تجسم‌یافته» (Connerton, 1989) محقق می‌شود. آیین عاشورا، حافظه یک رویداد تاریخی را در قالب ریتم‌های بدنی (سینه‌زنی)، حرکات جمعی (دسته‌های عزاداری) و عملکرد بدنی بازسازی می‌کند. این کنش‌های بدن‌مند، ماده خام معنا ساز را برای دگرگونی «بازنمایی فضا» به «فضای بازنمایی‌شده» فراهم می‌کند.

۳.۲. پیامد اجتماعی: تولید سرمایه اجتماعی و تقویت پیوندهای جمعی

فرایند تولید فضای مشترک و تجسم حافظه جمعی، به صورت طبیعی به ایجاد و تقویت سرمایه اجتماعی (Putnam, 2000) منجر می‌شود. مشارکت داوطلبانه در آیین، تعاملات چهره‌به‌چهره مکرر، و احساس تعلق و اعتماد ناشی از یک تجربه مشترک، همگی به تولید سرمایه اجتماعی پیوندی می‌انجامند. این سرمایه اجتماعی، شبکه‌های همکاری غیررسمی را تقویت کرده، انسجام محله‌ای را افزایش داده و بستر اجتماعی لازم برای تداوم و تکرار آیین در سال‌های آینده را فراهم می‌کند. بنابراین، یک چرخه دیالکتیکی شکل می‌گیرد: آیین، سرمایه اجتماعی تولید می‌کند و سرمایه اجتماعی تولیدشده، امکان برگزاری آیین را در آینده تقویت می‌کند.

۴.۲. جمع‌بندی چارچوب نظری

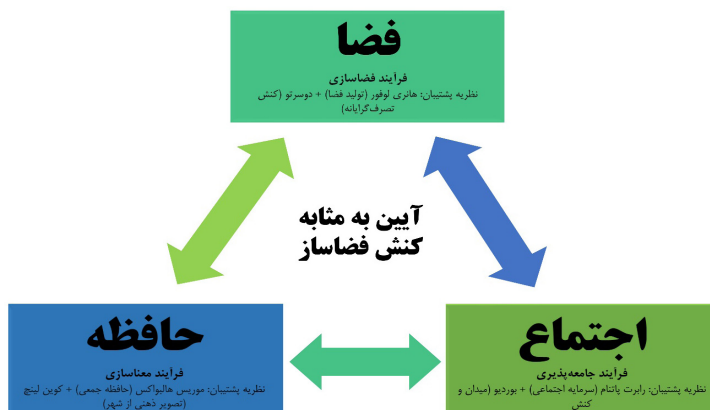
در این چارچوب تلفیقی، آیین عاشورا دیگر یک پدیده تک‌بعدی نیست، بلکه کنشی است که در مرکز تقاطع سه محور قرار دارد:

۱- فضا (لوفور و سوچا): آیین، فضای شهری را می‌سازد و معنا دار می‌کند.

۲- حافظه (هالبواکس و کنرتون): آیین، حافظه جمعی را از طریق بدن‌ها بازتولید و انتقال می‌دهد.

۳- اجتماع (پاتنام و بورديو): آیین، پیوندهای اجتماعی را تقویت و سرمایه اجتماعی ایجاد می‌کند.

این سه محور به صورت دیالکتیکی و در تعامل با یکدیگر عمل می‌کنند تا پویایی و سرزندگی منحصر به فرد حاصل از آیین در فضای شهری محله جوادیه را توضیح دهند.



شکل ۱. روابط دیالکتیکی فضا، حافظه و اجتماع

۳. پیشینه پژوهش

نشان داده‌اند آیین‌های مذهبی می‌توانند نقشی فعال در نظم‌بخشی اجتماعی و سرزندگی شهری ایفا کنند (Kureel & Sen, 2023; Swartjes & Berkers, 2025).

به طور تحلیلی، ادبیات موجود را می‌توان در سه جریان اصلی خلاصه کرد:

نخست، مطالعاتی که آیین‌ها را به عنوان «کنش فضا ساز» تحلیل می‌کنند و نشان می‌دهند چگونه از طریق تصرف موقت فضا و تغییر الگوهای حرکتی، فضاهای عمومی را فعال می‌سازند (Edensor, 2025; Li et al., 2012). دوم، پژوهش‌هایی که آیین‌ها را سازوکاری برای تولید سرمایه اجتماعی، تقویت اعتماد و انسجام جمعی می‌دانند (Putnam, 2000; Woodhead & Catto, 2016; Isnaeni et al., 2025). سوم، تحقیقاتی که بر نقش آیین‌ها در بازتولید حافظه جمعی و هویت مکانی تأکید دارند (Halbwachs, 1992; Connerton, 1989; Graezer Bideau et al., 2024).

اگرچه این سه جریان به صورت نظری رشد یافته‌اند، پیوند تجربی آن‌ها همچنان ضعیف است؛ به‌ویژه در بافت‌های مذهبی غیرغربی که اغلب یا در مطالعات رویدادمحور نادیده گرفته شده‌اند یا در چارچوب‌های غرب‌محور به‌درستی تبیین نشده‌اند. بیشتر مدل‌های تلفیقی در شهرهای اروپایی و شرق آسیا توسعه یافته‌اند و ظرفیت تعمیم آن‌ها به شهرها و محلات اسلامی همچنان به آزمون گذاشته نشده است.

از حیث روش‌شناسی نیز شکاف قابل توجهی وجود دارد. مطالعات عمدتاً بر سنجش‌های کمی و پیامدهای کالبدی - اقتصادی متمرکز بوده‌اند، در حالی که آیین به مثابه پدیده‌ای بدن‌مند و تفسیری، مستلزم روش‌های کیفی و تحلیل تجربه زیسته است (Connerton, 1959; Eliade, 1989). به همین دلیل، ابعاد حافظه‌ای، عاطفی و هویتی آیین‌ها در ادبیات شهری کمتر مورد واکاوی عمیق قرار گرفته‌اند.

در چنین بستری، پژوهش حاضر با تمرکز بر آیین ظهر عاشورا در محله جوادیه، می‌کوشد این شکاف‌ها را پر کند: از یک سو با تلفیق سه بعد فضا، اجتماع و حافظه، و از سوی دیگر با استقرار این چارچوب در زمینه فرهنگی ایران. این مطالعه در پی آن است تا نشان دهد چگونه آیین‌های مذهبی می‌توانند به عنوان سازوکارهای اجتماعی - فضایی، به بازتولید معنا، تقویت سرمایه اجتماعی و احیای سرزندگی شهری منجر شوند.

در دهه اخیر، مطالعات شهری از رویکردهای صرفاً کالبدی و کارکردی به سوی تحلیل‌های فرهنگی، تجربی و تفسیری از فضا حرکت کرده‌اند. این چرخش نظری، پاسخی به ناتوانی الگوهای طراحی محور در تبیین پدیده‌هایی مانند کاهش حس تعلق، افول تعاملات اجتماعی و تهی شدن فضاهای عمومی از معناست (Carmona, 2023; Talen & Koschinsky, 2021). در این چارچوب، «فضا» دیگر صرفاً یک ظرف فیزیکی تلقی نمی‌شود، بلکه پدیده‌ای اجتماعی و معنا ساز است که در تلاقی کنش‌های بدن‌مند، تجربه‌های زیسته و بازنمایی‌های فرهنگی شکل می‌گیرد (Lefebvre, 1991; Soja, 1996).

در امتداد این تحول، آیین‌های فرهنگی و مذهبی به عنوان یکی از شکل‌های مهم کنش فضایی مورد توجه قرار گرفته‌اند. مطالعات اخیر نشان می‌دهند آیین‌ها از طریق تکرار نمادین، بدن‌مندی جمعی و زمان‌مندی آیینی، فضا را از سطح کالبدی به عرصه‌ای زیسته و ادراک‌شده ارتقا می‌دهند (Edensor & Sumartojo, 2018; Kong, 2020; Amer, 2022). به خلاف رویکردهای کلاسیک که سرزندگی شهری را محصول طراحی رسمی یا سیاست‌گذاری بالا به پایین می‌دانند، این پژوهش‌ها نشان می‌دهند پویایی شهری اغلب از دل کنش‌های فرهنگی خودانگیخته زاده می‌شود.

در ادبیات غربی، از ابتدای دهه ۲۰۱۰ توجه به ابعاد عاطفی، نمادین و بدن‌مند فضا گسترش یافته است. مطالعات مربوط به «فضاهای عاطفی» و «تجربه زیسته شهر» نشان داده‌اند معنا و هویت نه تنها از طریق کالبد بلکه از خلال حافظه، احساس و تکرار آیینی ساخته می‌شوند (Thrift, 2008; Edensor, 2019; Díez-Pisonero, 2025). حتی در بسترهای سکولار اروپایی، اهمیت راهپیمایی‌ها، آیین‌های یادمانی و گردهمایی‌های نمادین در بازتولید فضاهای جمعی مورد تأکید قرار گرفته است (Edensor & Sumartojo, 2018).

با این حال، بخش قابل توجهی از این ادبیات همچنان متأثر از دوگانه «غرب مدرن / شرق آیینی» است و مناسک مذهبی در جوامع غیرغربی غالباً به صورت امر سنتی، غیرعقلانی یا مانعی در برابر توسعه تحلیل شده‌اند. این خوانش تقلیل‌گرا، پیچیدگی‌های اجتماعی آیین‌های مذهبی را نادیده می‌گیرد و نقش آن‌ها در تولید فضا، انسجام اجتماعی و هویت شهری را کم‌رنگ می‌سازد. در مقابل، پژوهش‌های جدیدتر این تصویر ساده‌انگارانه را به چالش کشیده و

جدول ۱. مقایسه رویکردهای اصلی در ادبیات آیین و فضای شهری

رویکرد تحلیلی	مطالعات غربی	مطالعات غیرغربی (ایران)	جمع‌بندی
فضا (Space)	Edensor & Sumartojo (2018); Finkel & Platt (2020); Swartjes & Berkers (2025); Li et al. (2025)	Amer (2022); Kureel & Sen (2023); Moayed et al. (2015)	تمرکز مطالعات غربی بر «رویداد به مثابه ابزار بازآفرینی شهری» و اقتصاد فرهنگی؛ در مطالعات غیرغربی تحلیل فضایی اغلب توصیفی است و کمتر در چارچوب نظری تولید فضا صورت می‌گیرد. خلاصه: فقدان تحلیل آیین به مثابه فضای زیسته دینی.
اجتماع (Sociality)	Putnam (2000); Woodhead & Catto (2016); Isnaeni et al. (2025)	Farahbakhsh et al. (2023); Khasto (2023); Mortazavi et al. (2024)	سرمایه اجتماعی غالباً به صورت انتزاعی تحلیل می‌شود؛ در ایران بیشتر توصیف پیامدها است تا تحلیل سازوکارها. خلاصه: فقدان مدل چرخه‌ای آیین - سرمایه اجتماعی - فضا.
حافظه (Memory)	Connerton (1989); Nora (1989); Graezer Bideau et al. (2024)	Amer (2022); Heydari (2020)	حافظه در مطالعات غربی اغلب به میراث صنعتی یا مکان‌مندی تاریخی محدود می‌شود. در ایران حافظه مذهبی بررسی شده، اما پیوند آن با «سرزندگی شهری» ضعیف است.

رویکرد تحلیلی	مطالعات غربی	مطالعات غیر غربی (ایران)	جمع‌بندی
چارچوب نظری	Lefebvre (1991); Harvey (2012); Massey (2005)	استفاده محدود از چارچوب‌های تلفیقی	بیشتر مطالعات نظری‌اند یا موردی بدون نظریه. خلاصه: نبود مدل تلفیقی فضا - اجتماع - حافظه در بافت مذهبی.
روش‌شناسی	مروری سیستماتیک، تحلیل گفتمان، کیفی محدود	توصیفی، پیمایشی	خلاصه: کمبود پژوهش‌های تفسیری مبتنی بر تجربه زیسته آیینی

۴. روش تحقیق

این پژوهش از نظر هدف، ماهیت و رویکرد کلی، در زمره تحقیقات کاربردی - تحلیلی قرار می‌گیرد و با رویکرد کیفی انجام شده است. ماهیت کیفی تحقیق با هدف درک عمیق از فرایندهای اجتماعی، فضایی و فرهنگی نهفته در پدیده‌های شهری به‌ویژه در بستر آیین‌های جمعی سازگار است. تمرکز پژوهش بر چگونگی و چرایی تعاملات انسانی در فضاهای شهری موجب شد تا از روش‌های تفسیری و معناکاوانه بهره گرفته شود (Creswell, 2018). این تحقیق از نظر راهبرد اجرایی، در قالب مطالعه موردی انجام شده است. انتخاب مطالعه موردی به دلیل امکان بررسی عمیق زمینه‌های محلی، ویژگی‌های فرهنگی و فرایندهای تعاملی در یک بستر واقعی صورت گرفت (Yin, 2014). مورد پژوهش، یکی از محلات شهری با سابقه مذهبی و فرهنگی غنی است که آیین‌های جمعی نقش محوری در شکل‌گیری هویت فضایی آن ایفا می‌کنند. راهبرد کلی پژوهش بر پایه تحلیل تماتیک بنا شده است تا از طریق استخراج و تفسیر الگوهای معنایی از داده‌های میدانی، مفاهیم و روابط پنهان در پس تجربه‌های زیسته مشارکت‌کنندگان آشکار شود (Braun & Clarke, 2006; 2021). این رویکرد، امکان درک چندلایه از واقعیت‌های اجتماعی را فراهم می‌کند و به تولید نظریه میانی درباره پیوند آیین، فضا و اجتماع منجر می‌شود. جامعه آماری این تحقیق شامل ساکنان، مشارکت‌کنندگان و ناظران آیین‌های مذهبی در محله جوادیه (تهران) است. با توجه به ماهیت

کیفی مطالعه، هدف پژوهش نه تعمیم آماری، بلکه دستیابی به غنای نظری و اشباع مفهومی بوده است (Neuman, 2020). از این‌رو، نمونه‌گیری هدفمند به کار گرفته شد تا افرادی انتخاب شوند که تجربه مستقیم و معناداری از پدیده مورد بررسی دارند (Palinkas et al., 2015). معیارهای انتخاب نمونه شامل موارد زیر بود:

- حضور فعال یا مشاهده مستقیم در آیین مورد نظر طی سه سال اخیر؛
- تمایل به مشارکت در مصاحبه‌های عمیق؛
- تنوع سنی، جنسیتی و اجتماعی برای پوشش دیدگاه‌های متنوع. در مجموع ۱۹ مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته با مشارکت‌کنندگان (۱۲ مرد و ۷ زن) انجام شد. علاوه بر آن، یادداشت‌های میدانی از مشاهدات مستقیم و غیررسمی نیز در تحلیل داده‌ها مورد استفاده قرار گرفت. فرایند نمونه‌گیری تا رسیدن به مرحله اشباع نظری ادامه یافت؛ یعنی زمانی که داده‌های جدید، مفاهیم تازه‌ای به تحلیل‌ها نمی‌افزودند (Guest, Bunce, & Johnson, 2006).
- همچنین با هدف درک ابعاد مختلف پدیده، نمونه‌گیری به گونه‌ای انجام شد که هم شامل ساکنان قدیمی و فعال محله (۱۱ نفر) شود و هم افرادی که به عنوان بازدیدکننده در مراسم حضور می‌یابند (۸ نفر). این ترکیب امکان بررسی هم‌زمان حس تعلق درونی و جاذبه بیرونی آیین، و نیز مقایسه ادراکات این دو گروه را فراهم آورد.

جدول ۲. اطلاعات توصیفی مشارکت‌کنندگان

کد	سن	جنسیت	سطح تحصیلات	نوع اشتغال	مدت سکونت در محله جوادیه
مصاحبه ۱	۴۲	مرد	کارشناسی	مغازه‌دار	۳۸ سال
مصاحبه ۲	۶۵	زن	دیپلم	بازنشسته آموزش و پرورش	۴۵ سال
مصاحبه ۳	۱۶	مرد	دبیرستان	ندارد	از کودکی
مصاحبه ۴	۳۵	مرد	کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی	دانشجو	ندارد (بازدیدکننده)
مصاحبه ۵	۴۲	زن	دیپلم	فروشنده	حدود ۲۰ سال
مصاحبه ۶	۲۸	مرد	کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی	دانشجو	ندارد (بازدیدکننده)
مصاحبه ۷	۵۵	زن	دیپلم	بازنشسته	حدود ۳۰ سال
مصاحبه ۸	۴۲	مرد	دیپلم	کسبه	۲۰ سال
مصاحبه ۹	۲۷	زن	دانشجوی ارشد جامعه‌شناسی	دانشجو	ندارد (بازدیدکننده)
مصاحبه ۱۰	۶۵	مرد	دیپلم	بازنشسته	۴۵ سال
مصاحبه ۱۱	۲۵	مرد	کارشناسی مهندسی	کارمند شرکت خصوصی	ندارد (بازدیدکننده)
مصاحبه ۱۲	۲۳	زن	دانشجوی پژوهشگر	دانشجو	ندارد (بازدیدکننده)
مصاحبه ۱۳	۵۸	مرد	دیپلم قدیم	بازنشسته	۴۴ سال

کد	سن	جنسیت	سطح تحصیلات	نوع اشتغال	مدت سکونت در محله جوادیه
مصاحبه ۱۴	۴۸	مرد	دیپلم	مغازه‌دار	۳۰ سال
مصاحبه ۱۵	۲۷	مرد	کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی	پژوهشگر نویسنده محتوا	ندارد (بازدیدکننده)
مصاحبه ۱۶	۳۴	زن	کارشناسی ارشد سینما مستندسازی	مستندساز مستقل	ندارد (بازدیدکننده)
مصاحبه ۱۷	۷۲	مرد	دیپلم قدیم	بازنشسته شرکت راه‌آهن	۵۴ سال
مصاحبه ۱۸	۳۹	مرد	کارشناسی ارشد مدیریت فرهنگی	کارمند	۲۰ سال
مصاحبه ۱۹	۲۵	زن	کارشناسی	دانشجو	ندارد (بازدیدکننده)

- آشنایی با داده‌ها: خواندن مکرر متن مصاحبه‌ها و یادداشت‌های میدانی جهت درک کلی محتوا؛

- تولید کدهای اولیه: شناسایی عبارات کلیدی و مفاهیم ضمنی در متن با استفاده از کدگذاری باز در نرم‌افزار MAXQDA 2022؛

- جست‌وجوی تم‌ها: گروه‌بندی کدهای مشابه در زیرمجموعه‌های مفهومی و شناسایی روابط معنایی بین آن‌ها؛

- بازبینی و پالایش تم‌ها: بررسی انسجام درونی و تمایز بیرونی میان تم‌ها و ادغام یا حذف موارد هم‌پوشان؛

- تعریف و نام‌گذاری تم‌ها: تدوین مفاهیم نظری نهایی و نگارش شرح تفسیری هر تم؛

- تدوین روایت تحلیلی: ترکیب یافته‌ها در قالب روایت تحلیلی پیوسته و مرتبط با چارچوب نظری پژوهش؛

- تحلیل داده‌ها به صورت استقرایی و با حفظ وفاداری به گفتار مشارکت‌کنندگان انجام شد، اما در مراحل پایانی، با مفاهیم نظری همچون تولید فضا (Lefebvre, 1991)، سرمایه اجتماعی (Putnam, 2000) و حافظه جمعی (Halbwachs, 1992) تطبیق یافت تا چارچوب نظری نهایی پژوهش شکل گیرد.

۱.۴. محدوده مورد مطالعه

محله جوادیه از جمله محله‌های قدیمی، متراکم و دارای بافت اجتماعی منسجم در جنوب شهر تهران است که در محدوده منطقه ۱۶ شهرداری قرار دارد. این محله از شمال به راه‌آهن، از جنوب به خیابان شوش، از شرق به بزرگراه نواب و از غرب به بزرگراه بهمن‌یار محدود می‌شود. بافت کالبدی محله ترکیبی از خانه‌های قدیمی، گذرهای باریک، حسینیه‌ها، تکایا و فضاهای باز و نیمه‌باز شهری است که امکان شکل‌گیری فعالیت‌های جمعی و آیینی را در سطح محله فراهم کرده‌اند. یکی از ویژگی‌های بارز محله جوادیه، پویایی فرهنگی و مشارکت گسترده ساکنان آن در مناسک مذهبی، به‌ویژه آیین‌های عزاداری محرم و به‌طور خاص مراسم ظهر عاشورا است. جوادیه از دهه‌های گذشته تا کنون به‌عنوان یکی از کانون‌های شاخص و شناخته‌شده برگزاری آیین‌های عاشورایی در تهران مطرح بوده و همواره میزبان هیئت‌های بزرگ و دسته‌های عزاداری باسابقه بوده است. حضور چند نسل از ساکنان، انتقال سنت‌های آیینی به نسل‌های جوان‌تر، و تثبیت حافظه جمعی حول مراسم مذهبی، این محله را به نمونه‌ای ممتاز برای مطالعه پیوند آیین، اجتماع و فضا بدل کرده است.

انتخاب جوادیه به‌عنوان نمونه موردی در این پژوهش، با توجه به غنای فرهنگی - آیینی، قابلیت مشاهده میدانی بالا، وجود زمینه‌های

ابزار اصلی گردآوری داده‌ها، مصاحبه‌های نیمه‌ساخت‌یافته بود که به‌صورت حضوری و با کسب رضایت آگاهانه از مشارکت‌کنندگان انجام شد. سوالات مصاحبه با توجه به اهداف پژوهش و مرور ادبیات نظری طراحی شدند و در سه محور اصلی متمرکز بودند:

- تجربه مشارکت‌کنندگان از فضاهای شهری در جریان آیین؛

- نوع تعاملات اجتماعی و شبکه‌های ارتباطی شکل گرفته؛

- برداشت‌ها و معناهای فرهنگی - هویتی مرتبط با فضا.

علاوه بر مصاحبه، از مشاهده میدانی غیرمشارکتی برای ثبت رفتارهای جمعی، فضاهای فعال، و نحوه استفاده از محیط شهری استفاده شد (Angrosino, 2007). این داده‌ها از طریق یادداشت‌برداری تحلیلی در زمان برگزاری آیین‌ها و فعالیت‌های پس از آن گردآوری شد. برای تکمیل اطلاعات، برخی اسناد شهری، نقشه‌ها و عکس‌های میدانی نیز به‌عنوان داده ثانویه مورد استفاده قرار گرفتند تا شواهد فضایی از طریق مقایسه زمانی بررسی شوند.

برای اطمینان از اعتبار و قابلیت اعتماد داده‌ها، از راهبردهای متعددی استفاده شد که با پیشنهادهای لینکلن و گوبا (Lincoln & Guba, 1985) هم‌راستا هستند.

- اعتبار درونی: از طریق مثلث‌سازی داده‌ها بین مصاحبه‌ها، مشاهدات و اسناد انجام شد تا یافته‌ها از منابع مختلف تأیید شوند.

- اعتبار بیرونی: زمینه مکانی و فرهنگی پژوهش با جزئیات توصیف شد تا امکان تمییم تحلیلی برای پژوهش‌های مشابه فراهم شود.

- قابلیت اعتماد: فرایند گردآوری و تحلیل داده‌ها به صورت مستند و مرحله‌به‌مرحله ثبت شد تا امکان بازبینی برای پژوهشگران دیگر وجود داشته باشد.

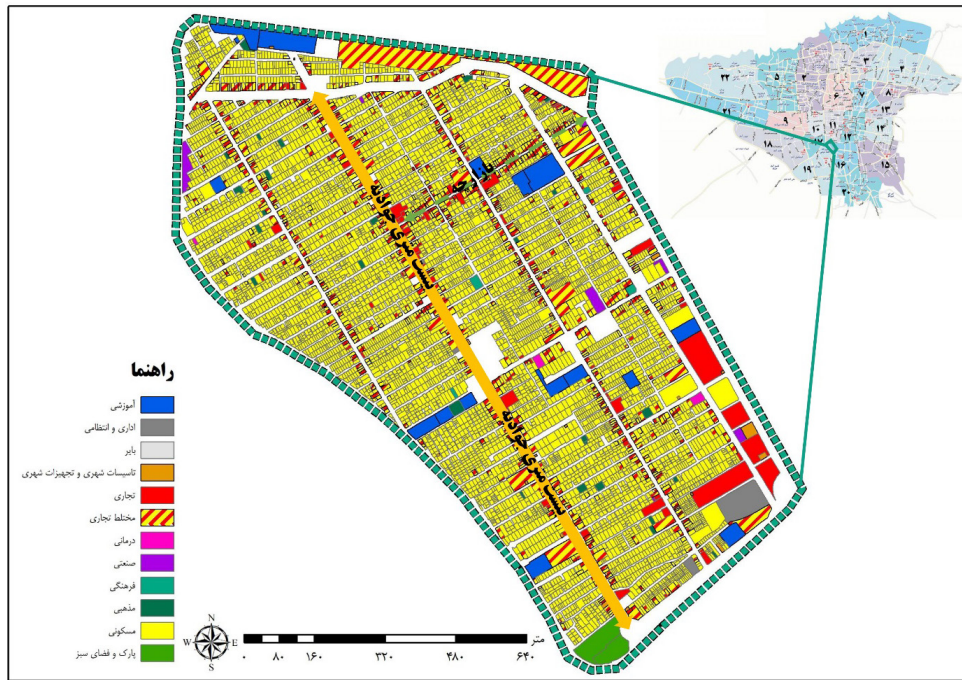
- تأییدپذیری: از طریق بازبینی همکار پژوهش و ارائه گزیده‌ای از نتایج اولیه به چند مشارکت‌کننده برای تأیید معناها، اعتبار تفسیری داده‌ها افزایش یافت.

علاوه بر این، سوالات مصاحبه پیش از اجرای اصلی، در قالب یک پایلوت با سه شرکت‌کننده داوطلب آزمایش شدند تا وضوح مفهومی و زبان سوالات ارزیابی شود. اصلاحات لازم در قالب و ترتیب پرسش‌ها اعمال شد.

با توجه به ماهیت کیفی پژوهش، داده‌های گردآوری‌شده از طریق تحلیل تماتیک ارزیابی شدند. این روش، یکی از رویکردهای انعطاف‌پذیر در تحلیل داده‌های کیفی است که برای شناسایی، سازماندهی و تفسیر الگوهای معنایی به کار می‌رود (Braun & Clarke, 2006; 2021).

فرایند تحلیل در شش گام انجام شد:

فعال مشارکتی، و ظرفیت بازنمایی مناسک مذهبی در فضاهای عمومی شهری صورت گرفته است. این محله واجد شرایط مناسبی برای بررسی عینی نقش آیین عاشورا در تولید سرزندگی شهری و احیای فضاهای عمومی است.



شکل ۲. محدوده مورد مطالعه



شکل ۳. نمایش بدن مندی آیین



شکل ۴. تبدیل فضای عبوری به میدان اجتماعی

۵. یافته‌های پژوهش

تحلیلی اولیه دربارهٔ احساسات، مضامین مکرر و برداشت‌های کلی ثبت شد. عبارت‌هایی همچون:
 - خیابان در روز عاشورا زنده می‌شود؛
 - همه با هم همکاری می‌کنیم، حتی کسانی که معمولاً همدیگر را نمی‌شناسند؛
 - هر سال همان مسیر را طی می‌کنیم، انگار بخشی از هویت محله است.
 نشانه‌هایی از مضامین مرتبط با سرزندگی، همبستگی اجتماعی و حافظهٔ جمعی بودند که مبنای کدگذاری اولیه قرار گرفتند.

مرحلهٔ دوم: تولید کدهای اولیه

در این مرحله، داده‌ها خط‌به‌خط در نرم‌افزار MAXQDA کدگذاری شدند. از روش کدگذاری باز برای شناسایی مفاهیم اولیه استفاده شد. در مجموع، ۸۷ کد تولید شد که از ترکیب عبارت‌های مشارکت‌کنندگان و تعبیرهای مفهومی پژوهشگر شکل گرفتند.

این بخش، فرایند تحلیل داده‌های کیفی را بر اساس رویکرد شش‌مرحله‌ای برون و کلارک (Braun & Clarke, 2006; 2021) تشریح می‌کند. تحلیل به شیوه‌ای ترکیبی (استقرایی - تفسیری) انجام شد؛ به این معنا که الگوهای معنایی از دل داده‌ها استخراج شدند، اما در پرتو چارچوب نظری پژوهش (تولید فضا، حافظه جمعی و سرمایه اجتماعی) تفسیر شدند. برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار MAXQDA 2022 استفاده شد تا روند کدگذاری، گروه‌بندی و ساخت نقشهٔ تماتیک به صورت شفاف و قابل بازبینی ثبت شود (Nowell et al., 2017; Vaismoradi et al., 2016).

مرحلهٔ اول: آشنایی با داده‌ها

در نخستین گام، داده‌های حاصل از مصاحبه‌های نیمه‌ساخت‌یافته و مشاهدات میدانی چندین بار مطالعه و گوش دادن مجدد به فایل‌های صوتی صورت گرفت. طی این مرحله، یادداشت‌های

جدول ۳. کدگذاری اولیه

مفهوم متناظر نظری	نقل قول‌های مستقیم	کدگذاری اولیه
حضور و فعالیت انسانی، مشارکت مردم (یانگل) تنوع کارکرد، فعالیت اجتماعی، چشم‌انداز انسانی، کارکردهای متنوع (جیکوبز) سرزندگی، تعامل اجتماعی (وایت) احیای فضاهای بدون استفاده (کرمونا) مسیرهای حرکت، مکان‌های نمادین، مسیرها (لینچ)	مصاحبهٔ ۱: پارک محلی تبدیل به محل توزیع غذا؛ مصاحبهٔ ۳: زمین خاکی پشت مسجد... تبدیل می‌شود به مرکز پخش نذری؛ مصاحبهٔ ۱۶: کوچه‌های فرعی... میدل به ایستگاه‌های نذری؛	تغییر کارکرد فضاهای عمومی

کدگذاری اولیه	نقل قول‌های مستقیم	مفهوم متناظر نظری
احیای فضاهای متروکه و بی‌استفاده	مصاحبه ۲: جاهایی که در بقیه سال متروکه‌س... حس زندگی می‌ده؛ مصاحبه ۶: فضاهای شهری معمولاً بی‌استفاده... به کانون‌های فعالیت تبدیل می‌شن؛ مصاحبه ۳: کلا اون فضاها معمولاً خیلی بی‌استفاده هستن... پر از حرکت، نور، صدا؛	حضور و فعالیت انسانی (یانگل) فعالیت اجتماعی، امنیت طبیعی (جیکوبز) تعامل و سرزندگی (وايت) احیای فضاهای متروکه (کرمونا) مکان‌های قابل شناسایی، مسیرهای دید و حرکت (لینچ)
معناداری و قداست فضای	مصاحبه ۱: فضاهایی مثل خیابان اصلی جوادیه... قداست پیدا می‌کنن؛ مصاحبه ۲: دسته علم‌ها... برام خیلی مقدسه؛ مصاحبه ۴: فضا فقط فیزیکی نیست؛ معنای فرهنگی و اجتماعی‌ای که آیین به فضا می‌ده؛	حضور مردم، فعالیت اجتماعی (یانگل) ارزش فرهنگی، فعالیت اجتماعی، ایمنی (جیکوبز) سرزندگی و معنا (وايت) حفظ ارزش‌ها، احیای فضاهای ارزشمند (کرمونا) مکان‌های نمادین، مسیرها و مکان‌های نمادین، مکان‌های معنابخش (لینچ)
پویایی و سرزندگی فضایی	مصاحبه ۱: خیابان‌های اصلی... کارکرد اجتماعی پیدا می‌کنن؛ مصاحبه ۲: با خودش تردد، توقف، سکون، صدا و حرکت می‌آره؛ مصاحبه ۳: جوادیه در این روز، شبیه هیچ روز دیگه‌ای نیست؛	فعالیت انسانی، حضور و فعالیت، (یانگل) تنوع کارکرد و فعالیت اجتماعی، تعامل، (جیکوبز) سرزندگی (وايت) احیای فضاها (کرمونا) مسیرهای دسترسی و دید، مکان‌های قابل شناسایی (لینچ)
نمادپردازی فضایی	مصاحبه ۴: لباس‌های یک‌دست عزاداران، علم‌ها، صدای سنج و طبل... نمادهای وحدت؛ مصاحبه ۱۶: موسیقی آیینی با گریه جمعی... حس نوعی تئاتر آیینی؛	حضور و مشارکت، فعالیت انسانی (یانگل) ارزش فرهنگی، فعالیت اجتماعی (جیکوبز) سرزندگی و معنا (وايت) حفظ ارزش‌های فرهنگی، احیای فضاها (کرمونا) مکان‌های نمادین، (لینچ)
همبستگی و وحدت اجتماعی	مصاحبه ۱: لحظه ظهر عاشورا... وحدت بی‌نظیر ایجاد می‌کند؛ مصاحبه ۱۷: وقتی همه... توی یه دسته می‌زنن... همبستگی به وجود می‌آد؛ مصاحبه ۲: این مراسم فقط سوگواری نیست؛ نوعی اجتماع و همبستگی محله‌ایه؛	حضور و فعالیت اجتماعی (یانگل) فعالیت اجتماعی، ارزش اجتماعی، تعامل (جیکوبز) احیای فضاها (کرمونا) مسیرهای اجتماعی (لینچ)
شبکه‌سازی و ارتباطات اجتماعی	مصاحبه ۱: هرساله چهره‌های جدیدی وارد جمع می‌شن... ادامه پیدا می‌کنه؛ مصاحبه ۱۵: این مراسم مثل یک شبکه اجتماعی زنده عمل می‌کنه؛ مصاحبه ۱۰: هر سال در مراسم با افراد جدیدی آشنا می‌شوم؛	حضور و تعامل اجتماعی (یانگل) فعالیت اجتماعی، شبکه‌سازی (جیکوبز) سرزندگی، تعامل (وايت) احیای فضاها (کرمونا) مسیرهای اجتماعی، مکان‌های دیداری (لینچ)
اعتماد و همکاری اجتماعی	مصاحبه ۱: بسیاری از مغازه‌دارها... ارتباط نزدیکی پیدا می‌کنن؛ مصاحبه ۱۶: مردم در نقش‌های مختلف: خادم، مداح... پیوندهای اجتماعی؛ مصاحبه ۱۶: این مراسم فرصت احیای روابط فراموش شده؛	حضور و تعامل، فعالیت (یانگل) فعالیت اجتماعی، تعامل محلی، شبکه اجتماعی (جیکوبز) سرزندگی، تعامل (وايت) احیای روابط اجتماعی (کرمونا) مسیرها و مکان‌های تعامل (لینچ)
مهمان‌نوازی و سرمایه اخلاقی	مصاحبه ۶: لحظه‌ای که ایستگاه‌های صلواتی فعال می‌شن... نمایشگر مهمون‌نوازی؛ مصاحبه ۱۷: محله انگار یه روز مهمون‌نواز می‌شه... به محله جون می‌ده؛	حضور و فعالیت (یانگل) فعالیت اجتماعی، ارزش‌های اخلاقی (جیکوبز) سرزندگی و تعامل (وايت) احیای فضاها (کرمونا) مکان‌های اجتماعی و دسترسی (لینچ)
هویت‌سازی مکانی	مصاحبه ۱: جوادیه رو بیشتر با همین مراسم می‌شناسن... جوادیه یعنی عاشوراش؛ مصاحبه ۱۷: محله ما با همین مراسم شناخته می‌شه... نماد جوادیه‌س؛ مصاحبه ۱۶: جوادیه به واسطه این مراسم، یک برند آیینیه؛	فعالیت اجتماعی، نماد فرهنگی (جیکوبز) سرزندگی و معنا (وايت) حفظ هویت مکان (کرمونا) مکان‌های نمادین و مسیرهای شناسایی (لینچ)
حافظه تاریخی و نسلی	مصاحبه ۱۵: فضاهای شهری حامل حافظه هستن... یک کوچه باریک، امروز فضای همبستگی؛ مصاحبه ۱۷: اون لحظه‌ای که علم رو حرکت می‌دن... یاد پدر و مادر می‌افتم؛ مصاحبه ۱۷: از بچگی تو همین کوچه‌های جوادیه... پدرم جزء بانیان اولیه هیئته؛	حضور و فعالیت (یانگل) فعالیت اجتماعی، حافظه تاریخی (جیکوبز) سرزندگی (وايت)

کدگذاری اولیه	نقل قول‌های مستقیم	مفهوم متناظر نظری
انتقال فرهنگی بین‌نسلی	مصاحبه ۱: بچه‌ها... پرچم می‌زنن، حضورشون شور بیشتری به مراسم می‌ده؛ مصاحبه ۲: نومه با گوشه فیلم می‌گیره... به سبک خودش وصل می‌شه؛ مصاحبه ۱۰: کودکان و نوجوونا با اشتیاق تو مراسم شرکت می‌کنن؛	فعالیت اجتماعی، انتقال فرهنگی (جیکوبز) حفظ حافظه، احیای خاطره‌ها، ارزش فرهنگی (کرمونا) مسیرها و مکان‌های خاطره‌انگیز (لینچ)
تعلقات مکانی و حس تعلق	مصاحبه ۲: این روز محله شکل دیگه‌ای می‌گیره... احساس می‌کنم ریشه‌م توی این کوچه‌هاس؛ مصاحبه ۳: محله برام فقط خونه نیست، به خاطره جمعیه؛ مصاحبه ۱۸: حس تعلق و مسئولیت‌پذیری... جزئی از پویایی جواده‌س؛	فعالیت‌های اجتماعی و تعاملات (یانگل) فعالیت اجتماعی، تعلق مکانی (جیکوبز) تعلق و ارتباط با مکان (کرمونا) مکان‌های هویت‌بخش (لینچ)
چالش‌های مدیریتی	مصاحبه ۱: ترافیک، نبود سرویس بهداشتی... بی‌نظمی جمعیت؛ مصاحبه ۶: کمبود فضای مناسب برای ایستگاه‌ها... مشکلات ترافیکی؛ مصاحبه ۱۶: شلوغی جمعیت... نبود جایگاه مشخص؛	فعالیت اجتماعی، مشکلات مدیریت (جیکوبز) سرزندگی (وایت) چالش‌های مدیریتی (کرمونا)
ظرفیت‌سازی نهادی	مصاحبه ۱: برنامه‌ریزی حرفه‌ای‌تر، مشارکت شهرداری؛ مصاحبه ۲: مشارکت شهرداری بیشتر بشه... فضاهایی مثل مدرسه آماده بشن؛ مصاحبه ۳: تجهیز بهتر فضاهای عمومی، هماهنگی با شهرداری؛	فعالیت اجتماعی، مدیریت نهادی (جیکوبز) سرزندگی (وایت) احیای نهادی (کرمونا) مسیرها و مکان‌های مشارکتی (لینچ)
حکمرانی مشارکتی	مصاحبه ۱: جواده می‌تونه نمونه‌ای موفق از توسعه از پایین باشه؛ مصاحبه ۳: با همین شور مردمی می‌شه فضاهایی رو احیا کرد... مثل ساخت آلاچیق؛ مصاحبه ۲: اگه شهرداری... از این پتانسیل برای بهسازی فضا استفاده کنن؛	حضور و فعالیت (یانگل) فعالیت اجتماعی، مشارکت محلی (جیکوبز) حکمرانی مشارکتی (کرمونا)
توسعه پایدار و گردشگری	مصاحبه ۹: امکان توسعه گردشگری مذهبی و فرهنگی با برنامه‌ریزی بهتر وجود داره؛ مصاحبه ۴: این آیین ظرفیت... به برند فرهنگی محله هم تبدیل بشه؛ مصاحبه ۱۵: جواده می‌تونه به عنوان قطب آیینی... بازتعریف جواده؛	گردشگری فرهنگی (جیکوبز) احیای فرهنگ و برند (کرمونا) مسیرها و مکان‌های گردشگری (لینچ)

مرحله سوم: جست‌وجوی تم‌ها
در این مرحله، کدهای هم‌مضمون در قالب دسته‌های مفهومی اولیه گروه‌بندی شدند. هدف، شناسایی الگوهای معنایی در پس داده‌ها بود. پس از مرور یادداشت‌ها و مقایسه کدها، ۱۶ خوشه مفهومی در قالب تم‌های فرعی شکل گرفت:

جدول ۴. شناسایی تم‌های فرعی

تم فرعی	کدهای اولیه
تغییر کارکرد و معنابخشی به فضاهای شهری	تبدیل فضاهای عمومی، احیای فضاهای متروکه، قداست فضایی، معنای فرهنگی فضا، کارکرد اجتماعی فضاها
پویایی‌های فضایی - حرکتی	جریان‌های انسانی، تردد و توقف، حرکت دسته‌ها، پر جنب‌وجوش شدن فضا، تحرک فضایی
نمادپردازی و صحنه‌پردازی آیینی	نمادهای وحدت، تئاتر آیینی، صحنه فرهنگی - مذهبی، نمایش جمعی، آیین‌نمایی
حس آمیزی و ادراک فضایی	پر از رنگ و صدا و حرکت، فضای انسانی‌تر، باز شدن فضا، ادراک حسی فضا، فضای زنده
همبستگی و انسجام اجتماعی	وحدت بی‌ظنیر، جامعه بزرگ‌تر و همبسته، قرار سالانه اجتماعی، همدلی جمعی، اتحاد محلی
شبکه‌سازی و ارتباطات اجتماعی	ارتباطات جدید، شبکه اجتماعی زنده، گسترش دوستی‌ها، آشنایی‌های تازه، پیوندهای اجتماعی
اعتماد و همکاری جمعی	همکاری در مناسبت‌ها، مشارکت خودجوش، کار گروهی، همیاری محلی، تعاون اجتماعی
مهمان‌نوازی و سرمایه اخلاقی	نمایشگر مهمان‌نوازی، خدمت به مردم، حس غرور جمعی، پذیرایی آیینی، اخلاق میزبانی
هویت‌سازی و شناسایی مکانی	شناسه محلی، برند آیینی، نماد جواده، هویت جمعی، شناسنامه محله

تم فرعی	کدهای اولیه
حافظه تاریخی و تداوم نسلی	یاد پدر و مادر، حافظه جمعی، سنت خانوادگی، خاطرات نسلی، یادواره جمعی
انتقال فرهنگی و آموزش غیرمستقیم	تداوم نسلی، آموزش آیینی، انتقال ارزش‌ها، فرهنگ‌پذیری، آموزش عملی
تعلقات مکانی و حس تعلق	ریشه در کوچه‌ها، خاطره جمعی، پیوند عاطفی با محله، احساس تعلق، وابستگی مکانی
چالش‌های مدیریت و زیرساخت	کمبود امکانات، مشکلات ترافیکی، شلوغی بیش از حد، نبود خدمات، بی‌نظمی
ظرفیت‌سازی نهادی و مشارکت شهری	مشارکت شهرداری، برنامه‌ریزی حرفه‌ای، هماهنگی نهادی، حمایت سازمانی، مدیریت یکپارچه
حکمرانی مشارکتی و توسعه از پایین	توسعه از پایین، شور مردمی، خودسازماندهی محلی، مدیریت جمعی، ابتکارات محلی
توسعه پایدار و گردشگری فرهنگی	گردشگری مذهبی، برند فرهنگی، قطب آیینی، توسعه محلی، اقتصاد فرهنگی

مرحله چهارم: بازبینی و پالایش تم‌ها
تم‌های شناسایی‌شده از نظر انسجام درونی، تمایز و ارتباط با برخی دیگر تفکیک شدند. برخی تم‌ها ادغام و

جدول ۵. پالایش تم‌ها

تم فرعی	کدهای اولیه
دگرگونی کارکردی فضاها	تبدیل پارک به محل نذری، زمین خاکی به مرکز پخش غذا، فضای متروکه به کانون فعالیت
پویایی‌های حرکتی و جریان	حرکت دسته‌ها، تردد و توقف، جریان‌های انسانی، تحرک فضایی
معنابخشی و ادراک فضایی	قداست فضایی، حس آمیزی (رنگ و صدا)، فضای انسانی‌تر، باز شدن فضا
بازتعریف مرزهای شهری	تعلیق مرزهای معمول، فضاهای چندعملکردی، قلمروهای آیینی
همبستگی و وحدت اجتماعی	وحدت بی‌نظیر، جامعه بزرگ‌تر همبسته، همدلی جمعی، اتحاد محلی
شبکه‌سازی و ارتباطات محلی	ارتباطات جدید، شبکه اجتماعی زنده، گسترش دوستی‌ها، پیوندهای اجتماعی
اعتماد و همکاری جمعی	همکاری در مناسبت‌ها، مشارکت خودجوش، کار گروهی، تعاون اجتماعی
هنجارهای مشارکت و تعاون	مهمان‌نوازی، خدمت به مردم، احساس مسئولیت، اخلاق آیینی
ساخت هویت محلی	شناسه محلی، برند آیینی، نماد جوادیه، هویت جمعی
حافظه جمعی و تداوم نسلی	یاد نسل‌های گذشته، خاطرات کودکی، سنت خانوادگی، یادواره جمعی
انتقال فرهنگی بین‌نسلی	آموزش آیینی، فرهنگ‌پذیری، تداوم نسلی، انتقال ارزش‌ها
تعلقات مکانی و احساس تعلق	ریشه در کوچه‌ها، پیوند عاطفی، احساس تعلق، وابستگی مکانی
چالش‌های اجرایی و زیرساختی	کمبود امکانات، ترافیک، شلوغی، نبود خدمات، بی‌نظمی
ظرفیت‌سازی نهادی و مشارکتی	مشارکت شهرداری، برنامه‌ریزی حرفه‌ای، هماهنگی نهادی، حمایت سازمانی
خودسازماندهی و مدیریت محلی	توسعه از پایین، شور مردمی، ابتکارات محلی، مدیریت جمعی
چشم‌انداز توسعه و پایداری	گردشگری فرهنگی، برندسازی، توسعه محلی، پایداری آیینی

انتزاعی» به «فضای زیسته» در چارچوب نظریه لوفور (۱۹۹۱) است.

تم ۲: تولید سرمایه اجتماعی و انسجام محلی

این تم نشان‌دهنده شکل‌گیری روابط اعتماد و همکاری میان ساکنان است. تجربه با هم کار کردن برای یک هدف مشترک نوعی سرمایه اجتماعی پیوندی ایجاد می‌کند (Putnam, 2000). مصاحبه‌ها آشکار ساختند که بسیاری از مشارکت‌کنندگان پس از مراسم نیز ارتباط خود را حفظ کرده‌اند.

مرحله پنجم: نام‌گذاری و تعریف تم‌ها

پس از پالایش نهایی، هر تم با تعریف مفهومی روشن و مرزگذاری تحلیلی بازتعریف شد:

تم ۱: سرزندگی آیینی و دگرگونی فضایی

بازتابی از فرایندهایی است که طی مراسم آیینی، فضاهای عبوری را به عرصه‌های مشارکت اجتماعی و فرهنگی بدل می‌سازد. مشارکت‌کنندگان توصیف کردند که خیابان‌های خاموش به صحنه‌های زندگی تبدیل می‌شوند. این تم بیانگر تبدیل «فضای

تم ۳: حافظه و نمادگردانی مکان

آیین عاشورا نه فقط یک رویداد، بلکه بازنمایی حافظه مشترک محله است. تکرار مسیر، نمادها و حرکات آیینی، گذشته را در لحظه حال احضار می‌کند. همان‌طور که یکی از مصاحبه‌شوندگان گفت: «هر بار که علم حرکت می‌کند، یاد بچگی‌هایم می‌افتد؛ انگار خود محله زنده می‌شه». این تم با نظریه‌های حافظه جمعی (Halbwachs, 1992) و حافظه بدن‌مند (Connerton, 1989) همخوان است.

تم ۴: چالش‌ها و ظرفیت‌های نهادی

این تم ابعاد مدیریتی و زیرساختی آیین را پوشش می‌دهد. داده‌ها نشان دادند که علی‌رغم شور و انسجام اجتماعی، کمبود امکانات و نبود هماهنگی نهادی (با شهرداری و نهادهای محلی) چالشی برای استمرار آیین است. با این حال، بسیاری از مشارکت‌کنندگان این مراسم را فرصتی برای برندسازی فرهنگی محله تلقی کردند.

مرحله ششم: تدوین روایت تحلیلی

در مرحله پایانی، تم‌ها در قالب یک روایت منسجم و تحلیلی ترکیب شدند تا الگوهای معنایی کلی استخراج شود. تحلیل نهایی نشان داد آیین عاشورا در جوادیه نه تنها یک رویداد مذهبی، بلکه سازوکاری پیچیده برای تولید و بازتولید فضای جمعی است. تم‌ها نشان دادند:

- در سطح فضایی، آیین موجب دگرگونی موقتی، اما مؤثر در کارکرد فضا می‌شود و سرزندگی اجتماعی ایجاد می‌کند.
- در سطح اجتماعی، شبکه‌های همکاری و اعتماد شکل می‌گیرند که به سرمایه اجتماعی محله می‌افزایند.
- در سطح فرهنگی، حافظه و هویت جمعی بازتولید شده و حس تعلق مکانی تقویت می‌شود.
- در سطح نهادی، استمرار این پویایی مستلزم مدیریت و سیاست‌گذاری شهری هم‌افزا است.

این یافته‌ها با چارچوب نظری پژوهش هم‌راستا هستند و نشان می‌دهند آیین‌های مذهبی از طریق پیوند فضا، اجتماع و حافظه، به پایداری اجتماعی و سرزندگی شهری کمک می‌کنند (Lefebvre, 1991; Halbwachs, 1992; Putnam, 2000).

۶. بحث

پژوهش حاضر با تمرکز بر آیین ظهر عاشورا در محله جوادیه تهران نشان داد آیین‌های مذهبی در زمینه شهری ایران، سازوکارهایی مؤثر در تولید فضا، تقویت روابط اجتماعی و بازتولید حافظه جمعی هستند؛ سازوکارهایی که با بخش مهمی از ادبیات نوین مطالعات شهری همخوانی یافته و در عین حال چندین فرض رایج در پژوهش‌های غرب‌محور را به چالش می‌کشند. یافته‌ها نشان دادند فضای محله جوادیه در جریان آیین از وضعیت صرفاً کالبدی و عبوری خارج شده و به فضایی زیسته، پرمعنا و مشارکتی بدل می‌شود؛ نتیجه‌ای که با چرخش فرهنگی - اجتماعی مطالعات شهری (Carmona, 2021; Mehta, 2018) همسوست. اما به خلاف تجربه‌های گزارش‌شده در شهرهای اروپایی و شرق آسیا (که در آن آیین‌ها اغلب در چارچوب اقتصاد رویدادها و گردشگری تحلیل می‌شوند (Richards, 2020; Kureel & Sen, 2023)) در جوادیه فضا نه کالایی، بلکه معنایی و جمعی است. این تفاوت، زمینه‌مندی نقش آیین‌ها را آشکار می‌سازد و نشان می‌دهد سازوکارهای تولید فضا در شهرهای ایرانی بر منطق مشارکت مردمی و نه سیاست‌گذاری از بالا استوارند.

از منظر نظری، نتایج پژوهش قرائت لوفور (۱۹۹۱) از تولید فضا را تأیید می‌کند، زیرا خیابان‌ها، گذرها و فضاهای باز محله زمانی که توسط بدن و حرکت آیینی تصرف می‌شوند، به «فضای زیسته» تبدیل می‌شوند. این یافته، لایه‌های بدن‌مند و نمادین فضا را که در مطالعات جدید جغرافیای شهری مورد تأکید قرار گرفته‌اند (Thrift, 2008; Edensor, 2012)، در یک بستر مذهبی - محلی بازنمایی می‌کند. با این حال، به خلاف بسیاری از پژوهش‌های غربی که حافظه را در قالب سیاست‌های رسمی میراث فرهنگی بررسی می‌کنند (Nora, 1989)، در جوادیه حافظه جمعی «زیسته» است و از مسیر کنش آیینی و مشارکت اجتماعی بازتولید می‌شود. این امر نظریه‌های هالبواکس (۱۹۹۲) و کنرتن (۱۹۸۹) را در بستری غیرغربی بازتفسیر کرده و نشان می‌دهد حافظه لزوماً به واسطه نهادهای رسمی استمرار نمی‌یابد.

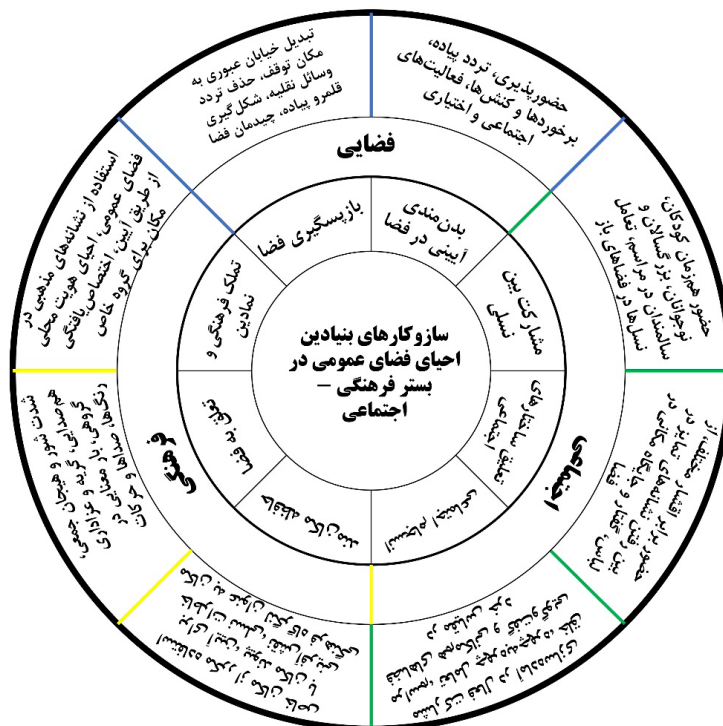
در سطح اجتماعی، یافته‌ها نشان دادند آیین عاشورا شبکه‌های اعتماد، همبستگی و همکاری را تقویت می‌کند و به تولید نوعی سرمایه اجتماعی آیینی می‌انجامد. این روند با الگوی پانتام (۲۰۰۰) درباره نقش فعالیت جمعی در تقویت اعتماد اجتماعی همخوان است، اما در جوادیه به خلاف بسیاری از نمونه‌های مورد اشاره در ادبیات غربی، این سرمایه نه از طریق انجمن‌های رسمی، بلکه از کنش آیینی مردمی و شبکه‌های غیرنهادینه حاصل می‌شود؛ امری که با پانتام (۲۰۰۰) درباره ظرفیت شبکه‌های غیررسمی تطابق دارد و در مطالعات داخلی مرتبط با حس تعلق محله‌ای (فرحبخش و افضل، ۱۴۰۲؛ خستو، ۱۴۰۲) نیز مشاهده شده، اما آن‌ها کمتر بر نقش خیابان و فضای باز تأکید داشته‌اند. به این ترتیب، پژوهش حاضر جایگاه مسجد به عنوان محور اصلی حیات اجتماعی را نسبی کرده و نشان می‌دهد خیابان (در تعامل با آیین) می‌تواند واجد نقشی هویتی و اجتماعی باشد.

مقایسه نتایج این تحقیق با ادبیات جنوب جهانی (Simone, 2019) نیز تصویر تازه‌ای ارائه می‌دهد. به خلاف رویکردهایی که محلات کم‌درآمد را به عنوان فضاهایی با گسست اجتماعی بازنمایی می‌کنند، تجربه جوادیه نشان می‌دهد آیین‌ها می‌توانند به تقویت شبکه‌های پایدار اجتماعی و آزادی‌های مشارکتی بینجامند. این تفاوت نه نشانه استثنا، بلکه محصول ریتم‌های خاص زندگی شهری در ایران است: استمرار سکونت، تراکم کالبدی، شبکه‌های خویشاوندی و حضور آیین به عنوان سازوکار معنا ساز روزمره. یافته‌ها همچنین ناکارآمدی رویکردهای کالبدگرایانه در برنامه‌ریزی شهری ایران را آشکار می‌سازد. در حالی که سیاست‌های رایج بازآفرینی غالباً به تغییر فرم فیزیکی فضا اولویت می‌دهند، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد سرزندگی شهری بدون معنا و مشارکت مردمی شکل نمی‌گیرد و این معنا از خلال کنش‌های جمعی ساخته می‌شود؛ نکته‌ای که با رویکردهای انسان‌محور در مطالعات فضا (Gehl, 2011; Montgomery, 1998) کاملاً همسوست. بنابراین، تولید سرزندگی در بافت‌های شهری ایران بیش از آنکه پروژه‌های مهندسی باشد، فرایندی فرهنگی و اجتماعی است.

با وجود تأکید این پژوهش بر همبستگی و وحدت اجتماعی، یافته‌ها را نمی‌توان صرفاً در چارچوب روایتی آرمانی از آیین تفسیر کرد. آیین ظهر عاشورا، همچون هر کنش جمعی فضا ساز، درون مناسبات قدرت شکل می‌گیرد و بازتولید می‌شود. به بیان دیگر، فضا نه تنها تولید می‌شود، بلکه «کنترل» نیز می‌شود. مشاهدات میدانی نشان می‌دهد سازماندهی مسیرهای حرکت، توزیع منابع (نذری)، تعیین

که دسترسی به فضا، امکان دیده شدن و سهم از آیین برای همه گروه‌ها یکسان است یا خیر. این پرسش به‌ویژه درباره زنان، جوانان و افراد با سبک‌های زیست متفاوت اهمیت می‌یابد و نشان می‌دهد آیین، هم‌زمان می‌تواند هم توانمندساز و هم طردکننده باشد. گشودن این وجه انتقادی، تحلیل آیین را از سطح همبستگی صرف فراتر می‌برد و آن را به پدیده‌ای چندلایه و مناقشه‌برانگیز بدل می‌سازد.

نقش‌ها و جانمایی ایستگاه‌ها، غالباً تحت نفوذ گروه‌های خاصی چون هیئت‌های قدیمی‌تر، بزرگان محله و نهادهای مذهبی سنتی قرار دارد. این امر می‌تواند به نوعی «تمرکز قدرت آیینی» منجر شود که امکان بروز نابرابری‌های فضایی و نمادین را در دل آیین فراهم می‌سازد. از منظر فوکو (۱۹۷۷)، فضا همواره میدان اعمال قدرت است، حتی زمانی که در قالب امر مقدس بازنمایی می‌شود. همچنین از دریچه «حق به شهر» لوفور و هاروی، می‌توان پرسید



شکل ۵. سازوکارهای بنیادین احیای فضای عمومی در بستر فرهنگی - اجتماعی محله

آیین را ارتقا می‌دهد. در سطح اجتماعی، یافته‌ها نشان می‌دهد تقویت حکمرانی مشارکتی مهم‌ترین شرط پایداری آیین و احیای سرزندگی محله است. از این‌رو، سیاست‌ها باید بر افزایش هماهنگی میان نهادهای رسمی و جامعه محلی متمرکز باشند. شکل‌گیری یک «ستاد هماهنگی محرم محله جوادیه» با عضویت شهرداری منطقه، شوراباری محله، هیئت‌های مذهبی و معتمدین، می‌تواند به عنوان یک نهاد تسهیل‌گر دائمی عمل کرده و برنامه‌ریزی مشارکتی، کاهش تعارض‌ها، توزیع عادلانه منابع و مدیریت منسجم آیین‌ها را تضمین کند. همچنین، حمایت ساختاریافته از شبکه‌های داوطلبان محلی (از طریق آموزش‌های ایمنی، مدیریت جمعیت، و سازماندهی رویداد) کیفیت اجرای آیین‌ها را افزایش می‌دهد. ایجاد بسترهای گفت‌وگو محله‌ای پیش و پس از آیین‌ها، ظرفیت یادگیری جمعی و خودسازماندهی اجتماعی را تقویت می‌کند. افزون بر این، به کارگیری «تسهیلگران اجتماعی محله» توسط شهرداری، به عنوان حلقه واسط میان مردم و نهادها، می‌تواند به انسجام فرایند برنامه‌ریزی و ارتقای مشارکت واقعی کمک کند. در سطح هویتی - فرهنگی، هدف اصلی حفاظت از اصالت آیینی و تقویت هویت مکان است؛ چراکه یافته‌ها نشان دادند آیین ظهر عاشورا در جوادیه کارکردی فراتر از یک رویداد دارد و به مثابه حامل

بر مبنای سازوکارهای استخراج‌شده از یافته‌های پژوهش، سیاست‌های پیشنهادی ارتقای سرزندگی و احیای فضای عمومی در بستر آیین‌های مذهبی باید در سه سطح فضایی، اجتماعی و هویتی - فرهنگی تدوین و اجرا شوند؛ رویکردی که امکان‌گذار از مداخلات کالبدی صرف به سوی سیاست‌های فرهنگی - مشارکتی را فراهم می‌سازد. در سطح فضایی، سیاست‌ها باید بر انعطاف‌پذیرسازی فضا و انطباق‌پذیری کالبد با ریتم آیینی استوار باشند، زیرا یافته‌های پژوهش نشان داد تجربه آیینی ظهر عاشورا در جوادیه، نیازمند فضاهایی موقت، پویا و قابلیت چیدمان مجدد است. از این منظر، طراحی و استقرار مبلمان موقت و قابل جابه‌جایی در ایام آیینی می‌تواند از فرسایش فضا جلوگیری کرده و امکان مکث، مشاهده و تعامل را تقویت کند. همچنین، تدوین ضوابط رسمی برای پیاده‌محوری موقت خیابان‌های اصلی مسیر آیین، همراه با مدیریت موقت ترافیک، به ارتقای ایمنی، خوانایی و تجربه‌پذیری فضا می‌انجامد. نوپردازی مناسب، نشانه‌گذاری مسیر حرکت هیئت‌ها و استفاده از عناصر بصری موقت نیز انسجام فضایی و جهت‌یابی را بهبود می‌بخشد. علاوه بر این، پیش‌بینی زیرساخت‌های پشتیبان سبک (مانند برق موقت، آب، و سرویس‌های بهداشتی سیار) مانع از وارد شدن فشار عملکردی به بافت محله می‌شود و کیفیت برگزاری

حافظه جمعی و سرمایه فرهنگی عمل می‌کند. در این چارچوب، مستندسازی مسیرهای آیینی، نمادها، روایت‌ها و خاطرات محله به عنوان میراث فرهنگی مالموس می‌تواند به ثبت و بازنمایی حافظه جمعی کمک کند. پرهیز از تجاری‌سازی افراطی و مدیریت توسعه گردشگری مذهبی بر اساس الگوی «گردشگری اجتماع‌محور»، برای حفظ اصالت آیین و عاملیت ساکنان ضروری است. طراحی برنامه‌های فرهنگی میان‌نسلی (شامل روایت‌گری محلی، کارگاه‌های فرهنگی، آموزش نوجوانان و فعالیت‌های هنری) به انتقال هویت آیینی و استمرار فرهنگی کمک می‌کند. همچنین، حمایت از هنرهای مردمی مرتبط با آیین همچون نوحه، تعزیه، خوشنویسی آیینی و نمادپردازی شهری، زمینه‌ای برای پیوند دوباره میان هنر، دین و فضا فراهم می‌سازد.

در مجموع، پیشنهادهاى فوق با تکیه بر سازوکارهای استخراج‌شده از داده‌های میدانی، و با افزودن دو مکانیزم نهادی مشخص (یعنی «ستاد هماهنگی محرم محله جوادیه» و «تسهیلگران اجتماعی محله») از سطح توصیه‌های کلی فراتر رفته و دارای قابلیت اجرایی مشخص در بستر مدیریتی و اجتماعی محله هستند؛ امری که می‌تواند پاسخ‌گوی دغدغه داور درباره افزایش ضمانت اجرایی سیاست‌ها باشد.

در عین حال، پژوهش حاضر محدودیت‌هایی دارد که باید مورد توجه قرار گیرند. نخست، مطالعه حاضر به طور محدود به تحلیل مناسبات قدرت، کنترل فضایی و امکان بروز تعارض پرداخته و این بعد نیازمند واکاوی عمیق‌تر در پژوهش‌های آتی است. پژوهش‌های آینده می‌توانند با تمرکز بر «تجربه جنسیتی از فضاهای آیینی»، «رابطه نسل جوان با آیین در بستر مدرنیته شهری» و «کارکردهای طردکننده یا شمول‌یاب آیین‌ها» این خلأ را جبران کنند. همچنین، انجام مطالعات تطبیقی میان محلات مختلف تهران یا شهرهای دیگر ایران، بهره‌گیری از داده‌های طولی و استفاده از روش‌های ترکیبی (کیفی - کمی)، امکان آزمون تحلیلی مدل ارائه‌شده در این پژوهش را فراهم خواهد آورد و به تعمیم نظری آن کمک خواهد کرد.

۷. نتیجه‌گیری

نتیجه‌های این پژوهش، فراتر از توصیف یک تجربه محلی، واجد پیامدهای نظری روشنی برای مطالعات شهری، جغرافیای فرهنگی و برنامه‌ریزی شهری هستند. نخست، این مقاله با ارائه یک مدل تلفیقی، نشان داد آیین‌های مذهبی را می‌توان نه فقط به عنوان رخدادهای فرهنگی، بلکه به مثابه سازوکارهای فعال تولید فضا تحلیل کرد. این مدل، پیوند میان سه بعد فضا، حافظه و کنش جمعی را برجسته می‌کند و نشان می‌دهد چگونه آیین‌ها از طریق بدن‌مندی، تکرار و اشغال موقتی فضا، به بازتولید معنا و هویت محله‌ای منجر می‌شوند. به این ترتیب، پژوهش حاضر شکافی نظری را پر می‌کند که در آن مطالعات آیینی و نظریه تولید فضا کمتر به صورت یکپارچه به کار گرفته شده‌اند.

سهم نظری دوم مقاله در بازتعریف مفهوم «سرزندگی شهری» نهفته است. به خلاف رویکردهای غالب که سرزندگی را عمدتاً با شاخص‌های کالبدی، عملکردی یا مصرف‌محور می‌سنجند، این پژوهش نشان می‌دهد سرزندگی می‌تواند از دل کنش‌های آیینی و تجربه‌های زیسته پدید آید. این گونه، دو بعد مغفول «معنایی - آیینی» و «حافظه زیسته» به مفهوم سرزندگی شهری افزوده

می‌شوند و افقی تازه برای درک پویایی‌های شهری می‌گشایند. این بازتعریف، مطالعات شهری را از تقلیل سرزندگی به طراحی یا اقتصاد رویداد رها می‌سازد و آن را به عرصه فرهنگ و معنا پیوند می‌زند.

بعد «معنایی - آیینی» بر این ایده استوار است که فضاهای شهری تنها از رهگذر حضور فیزیکی یا فعالیت‌های مصرفی زنده نمی‌شوند، بلکه از طریق معناهاى نمادین، تجربه‌های جمعی و کنش‌های آیینی واجد حیات اجتماعی می‌شوند. در محله جوادیه، آیین ظهر عاشورا نشان می‌دهد سرزندگی شهری می‌تواند مستقل از طراحی رسمی و حتی در غیاب مداخلات کالبدی، از طریق اشغال آیینی فضا و بازتولید نمادین مکان شکل گیرد. بنابراین، سرزندگی دیگر فقط ویژگی فضاهای طراحی‌شده نیست، بلکه برساخته‌ای فرهنگی است که از دل زیست جمعی پدید می‌آید.

همچنین، با افزودن مفهوم «حافظه زیسته»، مقاله نشان می‌دهد سرزندگی شهری بدون تداوم حافظه جمعی، کیفیتی گذرا و سطحی خواهد داشت. در جوادیه، استمرار آیین عاشورا نه تنها فضا را به طور موقت فعال می‌کند، بلکه از طریق بازآفرینی خاطره تاریخی، پیوند میان نسل‌ها و تثبیت هویت مکانی، نوعی سرزندگی پایدار رقم می‌زند. از این منظر، حافظه نه عنصری بیرونی در تجربه فضا، بلکه یکی از سازه‌های بنیادین آن است و سرزندگی واقعی هنگامی رخ می‌دهد که فضا به مخزن تجربه‌های تاریخی و عاطفی بدل شود.

سومین سهم نظری مقاله، توسعه چارچوب تحلیلی برای مطالعه کنش‌های جمعی خودجوش در فضاهای شهری است. اگرچه مدل ارائه‌شده بر پایه مطالعه آیین عاشورا در محله جوادیه شکل گرفته، اما ساختار تحلیلی آن محدود به مناسک مذهبی نیست. این چارچوب می‌تواند برای تحلیل سایر شکل‌های «تصرف جمعی فضا» از جمله اعتراض‌های شهری، جشن‌های خیابانی، تجمعات ورزشی یا آیین‌های ملی به کار رود؛ کنش‌هایی که از طریق اشغال موقتی فضا، دگرگونی نظم روزمره و تولید معنا، نقشی تعیین‌کننده در پویایی‌های شهری ایفا می‌کنند. در این معنا، مدل پیشنهادی واجد ظرفیت تعمیم تحلیلی فراتر از جغرافیای خاص جوادیه و حتی فراتر از بستر مذهبی آن است.

به طور کلی، این پژوهش نشان می‌دهد فضا نه فقط موضوعی کالبدی، بلکه عرصه‌ای اجتماعی، حافظه‌مند و نمادین است که پیوسته در معرض بازتعریف قرار دارد. آیین ظهر عاشورا در جوادیه نمونه‌ای بارز از این فرایند است؛ جایی که فرهنگ زیسته، شهر را «از درون» دگرگون می‌کند. از این منظر، مقاله حاضر با تأکید بر پیوند میان فضا، حافظه و کنش جمعی، افق تازه‌ای برای فهم سرزندگی شهری در جوامع غیرغربی می‌گشاید و بر ضرورت بازاندیشی در رویکردهای مسلط برنامه‌ریزی شهری تأکید می‌کند.

مشارکت نویسندگان

کلیه فرایندهای این پژوهش به وسیله نویسنده مسئول انجام شده است.

تشکر و قدراند

مقاله حامی مادی و معنوی ندارد.

تعارض منافع

بر اساس اظهارات نویسندگان، هیچ‌گونه تعارض منافع در ارتباط با این مقاله وجود ندارد.

- Graezer Bideau, F., & Broudehoux, A. M. (2024). Industrial heritage in the hosting of mega-events: assessing the potential for urban redevelopment and social change?. *Built Heritage* 8, 40. <https://doi.org/10.1186/s43238-024-00157-w>.
- Guba, Egon G., and Yvonna S. Lincoln. "Competing paradigms in qualitative research." *Handbook of qualitative research* 2.163-194 (1994): 105.
- Denzin & Y. S. Lincoln (Eds.), *Handbook of qualitative research* (pp. 105–117). SAGE Publications. https://ankara.iti.cs.cmu.edu/11780/sites/default/files/10-guba_lincoln_94.pdf
- Guest, G., Bunce, A., & Johnson, L. (2006). How many interviews are enough? An experiment with data saturation and variability. *Field Methods*, 18(1), 59–82. <https://doi.org/10.1177/1525822X05279903>
- Hamdani, J., Molina, P. A., Fuentes, L. L., Shawqy, H., Rossi, G., & León, D. A. (2025). What is my plaza for? Implementing a machine learning strategy for public events prediction in the urban square. *Urban Planning*, 10. <https://doi.org/10.17645/up.8551>
- Harvey, D. (2012). *Rebel cities: From the right to the city to the urban revolution*. Verso Books. <https://hdl.handle.net/2027/heb32147.0001.001>
- Heydari, M. (2020). An analysis of the role of religious places in creating a sense of place and in residents of urban neighborhoods (Case study: Hosseinieh neighborhood in Zanjan city). *Geography and Human Relationships*, 3(2), 478–496. <https://doi.org/10.22034/gahr.2020.254902.1463>. [In Persian].
- Hiller, H. H. (2000). Mega-events, urban boosterism and growth strategies: An analysis of the objectives and legitimations of the Cape Town 2004 Olympic Bid. *International Journal of Urban and Regional Research*, 24(2), 449–458. <https://doi.org/10.1111/1468-2427.00256>
- Holloway, J. (2021). *Metrics, standards, and alignment in teacher policy: Critiquing fundamentalism and imagining pluralism*. Springer Nature. <https://doi.org/10.1007/978-981-15-9476-2>
- Isnaeni, H., Muafiroh, S., Ummah, Z. R., Turner, S., Lekakis, S., Adianto, J., ... & Atqa, M. (2025). Sacred places, ritual and identity: Shaping the liminal landscape of Banda Neira, Maluku Islands. *Land*, 14(5), 1109. <https://doi.org/10.3390/land14051109>
- Jacobs, J. (1961). *The death and life of great American cities*. Random House.
- Khasto, M. (2023). The impact of cultural components on the vitality of urban spaces: Case study of Qazvin. *Journal of Urban Management (Motaleat-e Modiriyat-e Shahri)*, 15(54), 73–92. <https://sanad.iau.ir/en/Article/988080> [In Persian].
- Kong, L. (2010). Global shifts, theoretical shifts: Changing geographies of religion. *Progress in Human Geography*, 34(6), 755–776. <https://doi.org/10.1177/0309132510362602>
- Kureel, P., & Sen, I. P. J. (2023). Cultural heritage and urban transformation: The role of festivals in enhancing public spaces and driving development. *The Historic Environment: Policy & Practice*. <https://doi.org/10.47472/TPaz7Af8>
- Lawrence, W. (2014). *Social research methods: Qualitative and quantitative approaches*. British Library.
- Lefebvre, H. (2012). *From the production of space. In Theatre and Performance Design* (pp. 81–84). Routledge. <https://doi.org/10.4324/9780203124291-13>
- Li, X., Wang, P., Zhou, J., & Zhao, J. (2025). Exploring the impact of musealization on spatial vitality and tourist experience in the historic center of Macau. *Buildings*, 15(14), 2512. <https://doi.org/10.3390/buildings15142512>
- Lincoln, Y. S., & Guba, E. G. (1985). *Naturalistic inquiry*. SAGE Publications.
- Acedo, A., Oliveira, T., Naranjo-Zolotov, M., & Painho, M. (2019). Place and city: toward a geography of engagement. *Heliyon*, 5(8). <https://doi.org/10.1016/j.heliyon.2019.e02261>.
- AMER, M. (2022). Historic festival cities and the logic of their social spaces. *In the 13th Space Syntax Symposium*.
- Amoozadeh Lichaei, A., & Abizadeh, S. (2022). Analyzing the factors affecting the promotion of the vitality of public spaces by emphasizing the role of urban arts from the perspective of citizens, case study: cultural walkway of Rasht municipality. *Research and urban planning*, 13(48), 121–136. SID. <https://sid.ir/paper/1000061/en> [In Persian].
- Angrosino, M. (2007). *Doing ethnographic and observational research*. Sage.
- Bourdieu, P. (2011). The forms of capital. (1986). *Cultural theory: An anthology*, 1(81-93), 949. <https://doi.org/10.4324/9780429494338-6>.
- Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77–101. <https://doi.org/10.1191/1478088706qp063oa>.
- Braun, V., & Clarke, V. (2021). *Thematic analysis: A practical guide*. SAGE Publications. <https://digital.casalini.it/9781526417305>.
- Carmona, M. (2021). *Public places, urban spaces: The dimensions of urban design*. Routledge. <https://doi.org/10.4324/9781315158457>.
- Connerton, P. (1989). *How societies remember*. Cambridge University Press.
- Creswell, J. W. (2018). *Research design: Qualitative, quantitative, and mixed methods approaches* (5th ed.). SAGE. <http://eduq.info/xmlui/handle/11515/19498>.
- Davie, G., Woodhead, L., & Catto, R. (2016). Secularism and secularization. In *Religions in the Modern World* (pp. 551–570). Routledge.
- Diez-Pisonero, R. (2025). Events and Festivals as Strategic Tools for Understanding and Assessing the Symbolic Reconfiguration of the World Urban System. *Urban Science*, 9(6), 223. <https://doi.org/10.3390/urbansci9060223>
- Doan, Q. C., & Zhang, X. (2025). A systematic review of urban vitality studies: Trends and research opportunities. *Land Use Policy*, 158, 107745. <https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2025.107745>.
- Durkheim, E. (2016). The elementary forms of religious life. In *Social theory re-wired*. Routledge. 67–52. <https://doi.org/10.4324/9781315775357-6>
- Edensor, T. (2012). Communicating Class and Cultural Identity Through Pop Memorials: The Case of Manchester. In *Cultural Geographies*.
- Edensor, T., & Sumartojo, S. (2018). Reconfiguring Familiar Worlds with Light Projection: The Gertrude Street Projection Festival, 2017. *GeoHumanities*, 4(1), 112–131. <https://doi.org/10.1080/2373566X.2018.1446760>.
- Eliade, M. (1959). *The sacred and the profane: The nature of religion* (Vol. 81). Houghton Mifflin Harcourt.
- Farahbakhsh, M., Afzali, K., & moeinaddini, J. (2023). Analyzing Indicators of Vitality of Urban Space Influenced by the Social Culture in Khajeh Khezr Neighborhood of Kerman. *Geographical planning of space quarterly journal*, 13(1), 95–112. <https://doi.org/10.30488/gps.2022.343125.3546>.
- Finkel, R., & Platt, L. (2020). Cultural festivals and the city. *Geography Compass*, 14(9), e12498. <https://doi.org/10.1111/gec3.12498>.
- Gehl, J. (2011). *Life Between Buildings: Using Public Space*. Island Press.

- Lynch, D., & Quinn, B. (2022). Understanding the influence of place on festival making and artistic production in the local urban festival context. *Journal of Policy Research in Tourism, Leisure and Events*, 14(3), 242–261. <https://doi.org/10.1080/19407963.2022.2033250>
- Madanipour, A. (1999). Why are the design and development of public spaces significant for cities? *Environment and Planning B: Planning and Design*, 26(6), 879–891. <https://doi.org/10.1068/b260879>
- Massey, D. (2005). *For Space*. Sage Publications. <http://digital.casalingo.it/9781446259474>.
- Mehta, V. (2018). Streets and social life in cities: A taxonomy of sociability. *Urban Design International*, 24, 16–37. <https://doi.org/10.1057/s41289-018-0069-9>
- Moayedi, M., Salehi, S. K., & Kheyroddin, R. (2015). Identification of effective components for the creation of rituals in public spaces, promotion of social values, and capital. *International Journal of Science, Technology and Society*, 3(2-1), 81–86. <https://doi.org/10.11648/j.ijsts.s.2015030201.26>
- Molaei, A., & Aysham, M. (2023). Redefinition of characteristics and species of urban events in Iranian-Islamic urban spaces. *BBDS-Black Book: Drawing and Sketching*, 4(1), 8–25. <https://doi.org/10.48619/bbds.v4i1.844> [In Persian].
- Montgomery, J. (1998). Making a city: Urbanity, vitality and urban design. *Journal of Urban Design*, 3(1), 93–116. <https://doi.org/10.1080/13574809808724418>
- Mortazavi, S. S., Andalib, A., Ahmadian, R., & Talachian, M. (2024). Usefulness of Emile Durkheim's social solidarity approach on improving the ritual functions of urban spaces, the case study of Zeynabieh and Hosseinie Azam axis till Imamzadeh Seyed Ebrahim of Zanjan City. *Sustainable City*, 7(1), 117–133. <https://doi.org/10.22034/jsc.2024.406791.1724> [In Persian].
- Nahavandi, E. (2020). Cultural readout of the concept of vitality in Iranian cities. *Journal of Art and Civilization of the Orient*, 8(28), 41–52. <https://doi.org/10.22034/jaco.2020.231314.1160> [In Persian].
- Neuman, A. (2020). Ask the young: What homeschooled adolescents think about homeschooling. *Journal of Research in Childhood Education*, 34(4), 566–582. <https://doi.org/10.1080/02568543.2019.1710628>
- Nora, P. (1989). Between memory and history: Les lieux de mémoire. *Representations*, 26, 7–24. <https://doi.org/10.2307/2928520>
- Nowell, L. S., Norris, J. M., White, D. E., & Moules, N. J. (2017). Thematic analysis: Striving to meet the trustworthiness criteria. *International Journal of Qualitative Methods*, 16(1), 1–13. <https://doi.org/10.1177/1609406917733847>
- Palinkas, L. A., Horwitz, S. M., Green, C. A., Wisdom, J. P., Duan, N., & Hoagwood, K. (2015). Purposeful sampling for qualitative data collection and analysis in mixed method implementation research. *Administration and Policy in Mental Health and Mental Health Services Research*, 42(5), 533–544. <https://doi.org/10.1007/s10488-013-0528-y>
- Pillay, U., & Bass, O. (2008). Mega-events as a response to poverty reduction: The 2010 FIFA World Cup and its urban development implications. *Urban Forum*, 19(3), 329–346. <https://doi.org/10.1007/s12132-008-9034-9>
- Putnam, R. D. (2000). *Bowling alone: The collapse and revival of American community*. Simon & Schuster. <https://doi.org/10.1145/358916.361990>
- Qian, J. (2014). Public space in non-Western contexts: Practices of publicness and the socio-spatial entanglement. *Geography Compass*, 8(11), 834–847. <https://doi.org/10.1111/gec3.12183>
- Roberts, H., Resch, B., Sadler, J., Chapman, L., Petutschnig, A., & Zimmer, S. (2018). Investigating the emotional responses of individuals to urban green space using twitter data: A critical comparison of three different methods of sentiment analysis. *Urban Planning*, 3(1), 21–33. <https://doi.org/10.17645/up.v3i1.1231>
- Sadaqati, A., & Eshaghzadeh, H. (2021). Manifestation of religious-cultural values of Ashura rituals in urban spaces. Proceedings of the 1st National Conference on Manifestation of Ashura Rituals in Iranian Art, Kerman. <https://civilica.com/doc/1492388>. [In Persian].
- Soja, E. W. (1998). Thirdspace: Journeys to Los Angeles and other real-and-imagined places. *Capital & Class*, 22(1), 137–139. <https://doi.org/10.1177/030981689806400112>
- Steinbrink, M., Haferburg, C., & Ley, A. (2011). Festivalisation and urban renewal in the Global South: Socio-spatial consequences of the 2010 FIFA World Cup. *South African Geographical Journal*, 93(1), 15–28. <https://doi.org/10.1080/03736245.2011.567827>
- Swartjes, B., & Berkers, P. (2025). Designing conviviality? How music festival organizers produce spaces of encounter in an urban context. *Leisure Sciences*, 47(2), 411–428. <https://doi.org/10.1080/01490400.2022.2106328>
- Thrift, N. (2007). *Non-representational theory: Space, politics, affect*. Routledge. <https://doi.org/10.4324/9780203946565>
- Tonkiss, F. (2005). *Space, the city and social theory: Social relations and urban forms*. Polity Press.
- Turner, V., Abrahams, R., & Harris, A. (2017). *The ritual process: Structure and anti-structure*. Routledge. <https://doi.org/10.4324/9781315134666>
- Vaismoradi, M., Jones, J., Turunen, H., & Snelgrove, S. (2016). Theme development in qualitative content analysis and thematic analysis. *Journal of Nursing Education and Practice*, 6(5), 100–110. <https://doi.org/10.5430/jnep.v6n5p100>
- Vázquez-Varela, C., Barrado-Timón, D. A., & Martínez-Navarro, J. M. (2025). Music festivals in small and medium-sized Spanish cities: Between place dependency and spatial unboundedness, ongoing festivalization and processes of financialization. *City, Territory and Architecture*, 12(1). <https://doi.org/10.1186/s40410-025-00267-7>
- Whyte, W. H. (1980). *The social life of small urban spaces* (Vol. 116). Washington, DC: Conservation Foundation.
- Yin, R. K. (2014). *Case study research: Design and methods* (5th ed.). SAGE Publications.
- Zhang, X., Han, H., Qiao, L., Zhuang, J., Ren, Z., Su, Y., & Xia, Y. (2022). Emotionally health-oriented urban design: A novel collaborative deep learning framework for real-time landscape assessment by integrating facial expression recognition and pixel-level semantic segmentation. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 19(20), 13308. <https://doi.org/10.3390/ijerph192013308>
- Zukin, S. (1995). *The cultures of cities*. Blackwell Publishing.